

خرابات

هرکه شد محرم دل در حرم یاربماند



جواد طوسی منتقد



بهناز شیربانی

«حوا، مریم، عایشه» نخستین فیلم بلند صحرای کریمی از جمله فیلم‌های حاضر در جشنواره ونیز بود که در روزهای نمایشش توجه بسیاری را به خود جلب کرد؛ «فیلمی تأثیرگذار که با ظرافت زندگی زنان جوان در افغانستان معاصر را روایت می‌کند. در فیلم، وقار، زیبایی و روح زنان افغان نشان داده می‌شود؛ زنانی که عشق، دوستی، خانواده، ازدواج و مادرانگی را هدایت می‌کنند. هر فیلمی که در افغانستان ساخته می‌شود یک دستاورد است. درست در زمانی که آینده افغانستان شکننده به نظر می‌رسد. این فیلم از میلیون‌ها زن افغانستانی در معرض خطر می‌گوید که در خانه خودشان و در یک جامعه واحد لایق آزادی، استقلال و امنیت انتخاب برای زندگی خودشان هستند». این جملات بخشی از نوشته آنجلینا جولی، بازیگر و کارگردان شناخته‌شده از ساخته صحرای کریمی است. «حوا، مریم، عایشه» که با حضور عوامل حرفه‌ای ایرانی و افغانستانی تولید شده است، در این فستیوال موفق ظاهر شد و سفرهای جشنواره‌ای خود را آغاز خواهد کرد.

این فیلم ۲۴ شهریور در افغانستان اکرانش را آغاز خواهد کرد. علاوه‌بر اینکه این فیلم در فهرست گزینه‌های مورد بررسی کمیته انتخاب فیلم افغانستان برای معرفی به اسکار قرار دارد و باید دید آیا نماینده این کشور در اسکار خواهد بود یا خیر. صحرای کریمی سینما را از سنین کودکی آغاز کرد. او و خانواده‌اش از نسل دوم مهاجرت در ایران هستند. صحرای کریمی در ۱۴ سالگی در فیلم «دختران خورشید»، به کارگردانی مریم شهرپاری بازی کرد و دو سال بعد از آن در فیلم «خواب سفید» حمید جبلی مقابل دوربین رفت و علاقه به سینما او را راهی اروپا کرد و در نهایت دکترای سینما در رشته کارگردانی فیلم داستانی او را در مسیر حرفه‌ای فیلم‌سازی قرار داد. هرچند کریمی پیش از ساخت نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش تجربه ساخت چندین فیلم کوتاه و داستانی را دارد.

کریمی در گفت‌وگو با «شرق» درباره مسیر حرفه‌ای فیلم‌سازی‌اش گفت: «وقتی درس تمام شد، با خدوم فکر کردم به‌عنوان فیلم‌ساز به کجا تعلق دارم و قصد دارم رویاگر قصه کدام



صحرای کریمی : **مادرشدن در افغانستان موضوع مهمی است، چراکه به زنان از طریق مادرشدن بها داده می‌شود. در آنجا اگر زنی ازدواج کند و بلافاصله فرزند پسری به دنیا بیآورد به او توجه می‌شود. این موضوع در افغانستان مسئله مهمی است و زن حق انتخابی برای مادرشدن ندارد.**

سرزمین باشم؟ من متعلق به افغانستان هستم و باید زبان بسیاری از کسانی باشم که صدایشان شنیده نمی‌شود. همیشه مسئله زنان برایم اهمیت داشته و دارد و دغدغه من در فیلم‌سازی است». او درباره ایده روایت قصه سه زن افغان در این فیلم گفت: «هرآنچه در مورد زنان افغانستان شنیده یا خوانده بودم، بیشتر اطلاعات با دیدگاه کلیشه‌ای در مورد افغانستان بود. فراتر از آن در مورد زنان افغانستان اطلاعات بیشتری نداشتم. حتی وقتی با مادرم حرف می‌زدم از خاطراتش عمیق‌تر حرف نمی‌زد. درس‌م که تمام شد و به افغانستان برگشتم، واقعیت‌ها را عریان‌تر دیدم. وارد جامعه شدم و دیدم مشکلات زنان در افغانستان بسیار فراتر از مسئله برقع‌زدن یا مدرسه‌رفتن یا درس‌خواندن یا کارکردن است. گویا حرف‌زدن از آنها تابو است و البته کسی هم به آن توجه نمی‌کند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در همین مدت‌زمان ۱۸ سال بعد از سقوط طالبان، موقعیتی برای آفرینشگری و ساخت فیلم پیش آمد. باز هم اگر فیلم‌هایی ساخته و داستان‌هایی نوشته شد، همه روی کلیشه‌ها دست گذاشتند. اما زنانگی برای من همیشه امر مهمی است. وقتی به افغانستان برگشتم، بلافاصله فیلم‌سازی را شروع نکردم. خواستم تا مدتی فقط مشاهده‌گر باشم. تقریباً چهار سال بین مردم افغانستان

بودم و با حال‌وهوای آنجا بیشتر آشنا شدم. به بسیاری از روستاهای دوردست افغانستان سفر کردم و ساعت‌ها با زن‌های مختلف صحبت کردم. به همین خاطر تصمیم گرفتم مسائلی را برای ساخت فیلم انتخاب کنم و روی مسئله‌ای تمرکز کنم که در افغانستان به یک امر خاص تبدیل شده؛ اما امری که با اجبار عجیبی روبه‌روست.

مسئله اختیار زن و اینکه یک زن چقدر حق انتخاب برای مادرشدن دارد؟ مادرشدن در افغانستان موضوع مهمی است، چراکه به زنان از طریق مادرشدن بها داده می‌شود. در آنجا اگر زنی ازدواج کند و بلافاصله فرزند پسری به دنیا بیآورد به او توجه می‌شود. این موضوع در افغانستان مسئله مهمی است و زن حق انتخابی برای مادرشدن ندارد. البته به همان میزان که بچه‌دارشدن شرایطش را بهتر می‌کند، به نوعی او را اسیر می‌کند و اختیار را از او می‌گیرد».

کریمی ادامه داد: «سه داستان «حوا، مریم، عایشه» را انتخاب کردم و به همراه دوستم، حبیب نبی‌زاده، شروع به نگارش قصه کردیم. سعی کردیم درباره مسائلی بنویسیم که فراتر از کلیشه‌هاست و مسائلی که زنان افغانستان هر روز با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. طبعاً بسیاری با شنیدن نام افغانستان یاد جنگ و انفجار می‌افتند. همه اینها هست. اما زنان در افغانستان روزمره با مسائل خیلی مهمی مواجه می‌شوند که باید در موردش تصمیم بگیرند و با آنها روبرو شوند. در ساخت این فیلم از نشانه‌های بی‌شماری استفاده کردم و کنایه‌هایی به لحاظ زبان سینمایی زدم که ممکن است به مذاق بسیاری از مردم افغانستان خوش نیاید».

کریمی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ایده ساخت این فیلم در ابتدا تمرکز روی سه شخصیت؛ یک زن سنتی، یک زن مدرن و زنی از نسل جدید باشد و روافق کل داستان در یک روز اتفاق بیفتد و همه این زن‌ها با هم ارتباط داشته باشند. فیلم‌نامه را برای خانم شهبانی در ایران فرستادم. آن زمان در فستیوال فیلم «آنتالیا» با هم آشنا شده بودیم و من از خانم شهبانی درخواست کردم با من در ساخت فیلم اول داستانی‌ام همکاری کند. خانم شهبانی نظراتش را درباره فیلم‌نامه مطرح کرد و بعد از تغییرات بار دیگر فیلم‌نامه را برایشان فرستادم. خانم شهبانی تردید داشتند که چنین موضوعی در افغانستان امکان ساخت داشته باشد، اما در نهایت با ما همراه شد و از او سپاسگزارم. در افغانستان در مورد عوامل تکنیکی بسیار ضعیف هستیم. دوست داشتم با دوربین حرفه‌ای فیلمم را شروع کنم و خداا‌شکر که یم صدابرداری، فیلم‌برداری، تدوین و صداگذاری حرفه‌ای از ایران با ما همراه شدند و تمام تجهیزات حرفه‌ای کار با همکاری دوستان ایرانی و از ایران در اختیار ما گذاشته شد. تقریباً ۴۰ روز در افغانستان فیلم‌برداری کردیم. متأسفانه در روز ۴۰ روز انفجارهای مهیب و زلزله را هم تجربه کردیم. با وجود همه این مشکلات این فیلم ساخته شد. خانم مستانه مهاجر، آقای بادروح، آقای دلپاک و آقای سحرخیز زحمت زیادی برای فیلم کشیدند

و تمام مراحل پس از تولید را در ایران انجام دادیم. راینز فرهنگی ایران در افغانستان و سفارت ایران در افغانستان همکاری بسیار خوبی با من داشتند و در وقایع این اولین فیلم مستقلی است که در افغانستان با بودجه کاملاً مستقل تولید می‌شود». کریمی درباره واکنش‌های نمایش این فیلم در جشنواره فیلم ونیز گفت: «خوشبختانه استقبال خوبی از فیلم در جشنواره شد و فیلم از این جهت که چهره متفاوتی از افغانستان به نمایش می‌گذارد برای مخاطبانش جالب بود. به زعم مخاطبان این فیلم زنان افغانستان در این فیلم بلند نه آن‌قدر بدبخت نشان داده شده‌اند و نه قهرمان. انسان‌های معمولی هستند با مسائلی که با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنند که این موضوعات می‌تواند زبان جهانی داشته باشد. در این فیلم کوچه و خیابان‌های کابل را می‌دیدند که زندگی در آن جریان دارد. برای من

هنر

گفت‌وگو با صحرای کریمی، کارگردان فیلم «حوا، مریم، عایشه»

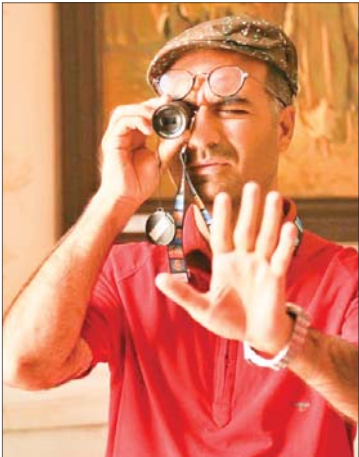
امر مهم زنانگی



صحنه از فیلم مریم، حوا، عایشه

گفت: «شرایط کارکردن خانم‌ها در افغانستان مخصوصاً افرادی که جمعی را مدیریت می‌کنند، بسیار سخت است. تصور کنید در آن فضا خانم کارگردانی سر صحنه باید به تعدادی آقا و خانم وظایفشان را یادآوری و مجموعه را مدیریت کند. در افغانستان جامعه به آن حد نرسیده که یک خانم به آقاییان دستور بدهد و در کل شرایط فیلم‌سازی و کارگردانی برای خانم‌ها نسبت به آقایان سخت‌تر است. شاید توجه بین‌المللی به فیلم‌سازان خانم بیشتر باشد اما از نظر جغرافیایی شرایط کارکردن برای خانم‌ها سخت‌تر است».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «به محض خواندن فیلم‌نامه برای خدوم تصویرسازی کردم و با توجه به تجربه‌های پیشین در افغانستان یک‌سری لوکیشن‌ها را در ذهنم در نظر گرفتم که این لوکیشن‌ها هنوز به‌صورت قطعی از طرف کارگردان تایید نشده بود. از ابتدا به یک فرم نوری و حرکتی فکر می‌کردم و به کارگردان پیشنهاد دادم. از ابتدا می‌دانستم با قصه سه زن سروکار داریم. این سه اپیزود بیش از ۹۰ درصد در لوکیشن داخلی روایت



بهروز بادروح: «اصولاً زیرساخت‌های فیلم‌سازی در افغانستان تقریباً وجود ندارد و معمولاً برای ساخت فیلم در افغانستان لوازم حرفه‌ای سینمایی اعم از دوربین سیستم صوتی ….. از دفاتر ایران اجاره می‌شود. در مورد نیروی انسانی نیز سینمای افغانستان بضاعت کمی دارد. دانشگاه‌های هنر در کابل وجود دارد».

می‌شد. قصه اول کاملاً داخلی است، فضای دوم فضای تاریک و روشن از غروب در فضای خارجی را داشتیم و بلافاصله به لوکیشن داخلی فصل سوم وصل می‌شدیم که ترکیبی از محیط داخلی و خارجی خانه را تشکیل می‌داد. یکی از اپیزودها را با توجه به شخصیت کنترسته دیدیم و دیگری رالتسیتی بود. حرکت دوربین خیلی متناسب با حضور بازیگران طراحی شد و حرکت دوربین هم روی دست در نظر گرفته شد البته خیلی دوربین روی دست در کنترل بود».

او ادامه داد: «نقد‌های جالبی از ورایتی و اسکرین‌دیلی در مورد فیلم‌برداری و فیلم نوشته شده که با توجه به اینکه اکثر ا در فضاهای داخلی فیلم‌برداری شده به نظر برای مخاطبانش جذابیت داشته و به زعم مخاطبان در این فیلم فضاهای خاصی از افغانستان را دیدند. کارم را در فیلم‌برداری مدیون عکاسی می‌دانم و مدیون زندگی در افغانستان هستم. تجربه زیستی من در افغانستان همیشه کمک زیادی به کار حرفه‌ای‌ام کرده است. تصمیم گرفتم برهه‌ای از زندگی‌ام را در افغانستان بگذرانم. این تجربه زیستی باعث شد وسعت دید من از نظر بصری و موارد دیگر در آنجا بیشتر شود و با دید تازه‌تری راجع به جامعه افغانستان و جغرافیا ببیندیشم و در کاری که به آن فضا مربوط می‌شود به راحتی تصمیم بگیرم و انتخاب‌های متنوعی داشته باشم».

زیر آسمان فیروزه‌ای

خواکین فینیکس در «بتمن» بازی نمی‌کند

● تاد فلیلیس، کارگردان «جوکر»، گفت خواکین فینیکس و جوکر او، وارد فیلم بتمنی که قرار است با بازی رابرت پتینسون ساخته شود، نمی‌شوند.

او گفت این دو بازیگر در یک فیلم دیده نمی‌شوند، هرچند این به این معنی نیست که «جوکر» اولین و آخرین فیلم دراین‌باره باشد و نتواند به مسیر خودش به تهایی ادامه دهد. تاد فلیلیس برای نخستین‌بار فیلمی مستقل درباره «جوکر»، شخصیت منفی و دشمن بتمن در کمیک‌بوک‌های مارول، نوشت که در آن بتمن جایی نداشت. این فیلم، هم با اقبال بسیار منتقدان در جشنواره فیلم ونیز روبه‌رو شد و هم موفق به کسب جایزه اصلی جشنواره، یعنی شیر طلای ونیز شد. تاد فلیلیس می‌گوید امروز کمیک‌بوک‌ها شکسیر ما شده‌اند و می‌توانی هر نگاهی به «هملت» داشته باشی. جوکرهای متعددی می‌تواند وجود داشته باشد و قطعاً در آینده همین‌طور خواهد شد. این کارگردان افزود: هنوز موفقیت ونیز را باور نمی‌کنیم، اما راهمان را ادامه می‌دهیم. بن الفلک در سال ۲۰۱۷

فیلم «بتمن» را ساخته بود و هم‌کارگردانی و هم بازیگری آن را انجام داد و پس از آن در «لیگ عدالت» نیز در این نقش ظاهر شده بود. رابرت پتینسون قرار است به «بتمن» جدید بدل شود. این بازیگر در نقش بتمن در فیلمی ابرقهرمانی، به کارگردانی مت ریزو نقش آفرینی می‌کند، اما هنوز بازیگر جوکر این فیلم معرفی نشده است.

معرفی نمایندگان اتریش، فنلاند مصر، هلند و نروژ به اسکار

● درحالی‌که مهلت معرفی فیلم‌های بلند بین‌المللی (با نام قبلی فیلم خارجی‌زبان) به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی برای رقابت در جوایز اسکار ۲۰۲۰، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۹ (۹ مهر) به پایان می‌رسد، تعداد دیگری از کشورها در روزهای اخیر نمایندگان خود را انتخاب و معرفی کردند. «جوی» (Joy)، به کارگردانی سودابه مرتضایی، فیلم‌ساز اتریشی ایرانی‌تبار، نماینده اتریش در بخش فیلم بلند بین‌المللی خواهد بود. آنولیکا آلفونسوس در این فیلم نقش یک دختر نوجوانی را بازی می‌کند که برای بازپرداخت بدی‌ها و حمایت از خانوادهاش در اتریش به‌عنوان یک برده جنسی کار می‌کند. از او خواسته می‌شود بر کار پرسی (مارام سانوسی)، یک کارگر جدید که آماده نیست سرنوشت خود را بپذیرد، نظارت کند. «جوی» اولین‌بار در دنیا سپتامبر سال پیش در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد و برنده جایزه سینمای اروپا شد. این فیلم بعداً در جشنواره لندن جایزه بهترین فیلم را برد. «مالی» (Mali)، به کارگردانی آنتونینو نونچ، به نمایندگی از کرواسی در جوایز اسکار ۲۰۲۰ رقابت می‌کند. این فیلم درباره یک قاچاقچی مواد مخدر است که بعد از گذراندن چهار سال در زندان حاضر است برای حفظ حق حضانت پسرش، مالی هر کاری انجام بدهد. فنلاند با فیلم «قلب جوان ابله» (Stupid Young Heart)، به کارگردانی سلما ویلهونن شانس خود را در جوایز اسکار امسال امتحان می‌کند. این فیلم سال گذشته در جشنواره برلین در بخش نسل plus14 (هیئت داوران جوان) برنده جایزه خرس بلورین بهترین فیلم بلند شد و در جشنواره فیلم تورنتو هم روی پرده رفت. «قلب جوان ابله» داستانی عاشقانه درباره یک زوج جوان است که به صحنه نوزناری‌ها کشیده می‌شوند. فیلم تولید مشترک فنلاند، هلند و سوئد است. فنلاند از ۱۹۷۳ تا سال گذشته ۳۲ نماینده به آکادمی معرفی کرد و یک‌بار برای فیلم «مرد بدون گذشته» (۲۰۰۲)، به کارگردانی آکی کوپرسماکی در بخش فیلم خارجی‌زبان نامزد شد. «زهازها سمی» (Poisonous Roses)، به کارگردانی فوزی صالح، نماینده مصر در اسکار است. داستان فیلم در محله‌ای فقیر در قاهره روی می‌دهد؛ جایی که زندگی روزمره مورد تهدید ریتیم بی‌رحم ماشین‌آلات دیباغی و خطرات فاضلاب سمی است. در این بین ماجراهای یک خواهر و برادر روایت می‌شود. مجارستان با فیلم «آنها که ماندند» (They Who Remained)، به کارگردانی بارنابش توت، در بخش فیلم بلند بین‌المللی شرکت می‌کند. داستان فیلم در بوداپست بعد از جنگ جهانی دوم روی می‌دهد و درباره دو مجارستانی است که می‌کوشند با پیامدهای هولوکاست کنار بیایند. «آنها که ماندند» پنجاهوپنجمین فیلمی است که مجارستان با فیلم ۱۹۶۵ تاکنون برای رقابت در بخش فیلم بلند بین‌المللی به آکادمی معرفی می‌کند. این کشور در ۱۹۸۱ با «مفisstو»، به کارگردانی ایشوتان سابو و در ۲۰۱۵ با «پسر شانول»، به کارگردانی لاسلو نمش دوبار جایزه اسکار این بخش را گرفت و هشتم‌بار دیگر هم نامزد شده است. نیال فیلیم «بلبل» (Bulbul)، به کارگردانی بینا پادل را به نمایندگی از خود به آکادمی معرفی کرد. فیلم درباره یک زن است که برای گذران زندگی در کاتماندو با ون مسافرشکی می‌کند. هلند تریلر روان‌شناختی «فریزه» (Instinct)، به کارگردانی هالینا رین را به اسکار فرستاد. کاریس فان هاونت، بازیگر نقش ملیساندرا در سریال «بازی تاج‌وتخت»، در این فیلم نقش یک روان‌درمانگر زندان را بازی می‌کند که عاشق یک متجاوز زندانی با بازی مروان کنزاری، بازیگر نقش جعفر در فیلم «علاءالدین» می‌شود. «حمله» (۱۹۸۶)، به کارگردانی فونس رادماکرش، «خط آنتوان»، به کارگردانی مارلین گوریس (۱۹۹۵) و «کاراکتر» (۱۹۹۷)، به کارگردانی میک فان دیم جایزه این بخش را گرفت.